

Biannual Journal of Research in the
Interpretation of Quran
Year 9th, 18th consecutive
Autumn 2022 & Winter 2023
Pages 367-393

Original Article
DOR:20.1001.1.24235490.1401.9.2.8.6

The educational role of self-founder in moderating instinctual needs by emphasizing the interpretation of related verses^{*}

Fatemeh Sahebian^{**}

Mohammad Hadi Yadollahpour^{***}

Seyed Ahmad Mirian Akandi^{****}

Abstract

One of the fundamental issues in the integration of inner feelings in education is the moderation of human instinctual needs that psychologists and thinkers in the field of education have used various methods and strategies to succeed in it. One of the important points to achieve it is self-control in this area. The present study tries to deal with the descriptive-analytical method in order to present the educational role of self-reliance in moderating the instinctual needs of human beings from the perspective of Quran and Hadith to introduce a complete human being with the correct educational components to other human beings. Self-control is a preconceived concept that affects all dimensions and aspects of man from the human level to the divine level and guides man from worldliness to the higher world. The result of this article is that self-discipline is the central strategy in maintaining the balance of instincts that God has made a prelude to the flourishing of God-seeking human nature.

Keyword: Self-control, moderation, instinctual need, nature

* Received: 2022-September-18 Accepted: 2023-March-29

** Ph.D student in Quranic and Hadith Sciences of Islamic Azad University, Sari Branch, Sari, Iran. Email: F.sahebians71@gmail.com

*** Associate Professor in Quranic and Hadith Sciences of Babol University of Medical Sciences, Babol, Iran (The Corresponding Author) Email: Baghekhial@gmail.com

**** Assistant Professor in Quranic and Hadith Sciences of Islamic Azad University, Sari Branch, Sari, Iran. Email: Ahmad.miriyani@yahoo.com



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

نقش تربیتی خویش‌بنانی در اعتدال بخشی به نیازهای غریزی با تاکید بر تفسیر آیات مرتبط*

فاطمه صاحبیان**

محمدهادی یدالله‌پور***

سید احمد میریان آکندی****

چکیده

یکی از مسائل بنیادین در انسجام احساسات درونی در تربیت، اعتدال بخشی به نیازهای غریزی انسان است که روانشناسان و اندیشمندان حوزه‌ی تربیت روش‌ها و راهکارهای مختلفی را برای موفقیت در آن به کار بسته‌اند. یکی از نکات مهم جهت دستیابی به آن، خویش‌بنانی در این حوزه است. پژوهش حاضر تلاش دارد تا با روش توصیفی-تحلیلی در جهت ارائه نقش تربیتی خویش‌بنانی در اعتدال بخشی به نیازهای غریزی انسان از منظر قرآن و حدیث بپردازد تا انسانی کامل با مؤلفه‌های تربیتی درست فراروی انسان‌های دیگر معرفی نماید. خویش‌بنانی مفهومی پیشادینی است که تمام ابعاد و وجوهات انسان را از سطح انسانی تا سطح الهی تحت تأثیر قرار می‌دهد و هدایتگر انسان از جهان دانی به عالم عالی است. دستاورد این نوشتار این است که خویش‌بنانی را هر دو محور در حفظ تعادل غرائزی است که خداوند آن را مقدمه‌ای برای شکوفایی فطرت خدا جوی انسان قرار داده است.

کلیدواژه‌ها: خویش‌بنانی، اعتدال، نیاز غریزی، فطرت، کنترل خویش.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۸

** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری. ساری، ایران. ایمیل:

F.sahebian71@gmail.com

*** دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران. (نویسنده مسئول) ایمیل:

Baghehkhial@gmail.com

**** استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری. ساری، ایران. ایمیل:

Ahmad.miriyani@yahoo.com



مقدمه

خویشتن‌بانی مفهومی پیشا دینی است که در معنای نظارت بر خود اعم از افکار، کردار و رفتار را در بر می‌گیرد و از سطح انسانی تا سطح اسلامی در هر فرد قابلیت تطوّر و رشد دارد. از این رو پژوهش حاضر به تأثیر خویشتن‌بانی بر غرائز انسان فارغ از هر نوع دینی اشاره دارد. در چپستی‌گریزه باید گفت که امری مشترک میان انسان‌ها است که اشتراکاتشان را نمایان می‌سازند، در حالی که طبیعت تفاوت‌ها را برجسته می‌کند و فطرت امری است که خداوند بر پایه‌ی صحت دو مقدمه‌ی پیشین بر انسان‌ها ارزانی می‌دارد. انسان‌ها با غرائزشان می‌توانند به دو بخش متناقض گسیل شوند. با بخشی از غرائز که دست به طغیان و گناه می‌زنند، خود را به نابودی و انحطاط کشانده و به واسطه‌ی زیاده‌خواهی‌شان جهنمی می‌شوند و بخشی از آن که با حفظ اعتدال در بهره‌مندی از غرائز و پاسخگویی منطقی و خداپسندانه به مطالبات آن در مسیر رشد و تعالی قرار گرفته و بهشت را برمی‌گزینند. انسانی که غرائزش را در اعتدال نگه دارد و طبیعتش را به جا و در حسن تعادل رشد دهد، می‌تواند از ودیعه‌ی الهی که فطرت خداجوست بهره‌گیرد و مراحل خودشناسی، جهان‌شناسی، خدانشناسی و در نهایت اطاعت‌پذیری و ولایت‌پذیری را طی نماید. از این رو خویشتن‌بانی امر مهمی است که صحت فرآیند رشد متعالی انسانی را ضمانت کرده و از عالم مادی به ماورای آن رهبری می‌کند.

آنچه را که جامعه‌ی امروز را در مسیر انحطاط قرار داده است، سریان ندادن مفاهیمی از جمله خویشتن‌بانی در زندگی بشریت است. خویشتن‌بانی امری پیشا دینی است که از سطح انسانی تا سطح الهی گسترده می‌گردد و قابل تسری در شئونات گوناگون انسان است. یک انسان می‌تواند از خویشتن‌بانی در روابط خود با خود،

خیالات و آرزوها، انگیزه‌ها و نیازها، تفکرات و منظونات و... بهره جوید. او در رابطه با محیط و دیگران، در ارتباط با خدا، در ارتباط با کائنات جان‌دار و بی‌جان بهره ببرد. از این رو خویشتن‌بانی وسعتی به طول سطح مادی تا اعلی درجه معنویت و به عرض تمامی مصادیقی که بیان شد، دارد و بیان حاضر اهمیت و ضرورت پرداختن به این پژوهش را می‌رساند.

در پیشنه‌ی پژوهش حاضر کتب و مقالاتی با موضوع عام تقوا و آثار آن به رشته‌ی تحریر در آمده است. برای نمونه پژوهش‌های زیادی در حوزه‌ی درون دینی با عنوان «تقوا» انجام شده است که به زمینه و آثار و آسیب‌ها اشاره می‌کند. در سیر مشکک خویشتن‌بانی، تقوا به عنوان عالی‌ترین مرتبه‌ی خویشتن‌بانی به شمار می‌آید که تنها در حوزه‌ی درون دینی معنا دارد؛ زیرا به معنای کنترل خویش با نیت قرب الهی مطرح می‌گردد و هر چه که خداسو نباشد خارج از حیطه تقوا محسوب می‌شود. (برای نمونه صادقی اردستانی، ۱۳۶۵؛ کشاورز، ۱۳۸۶؛ شریعتمداری، ۱۳۶۹؛ کاظمی ابهر، ۱۳۸۸؛ ایزدی، ۱۳۹۲).

پژوهش‌های دیگری نیز اشاره به خویشتن‌بانی به معنای عام دارد که خارج از حوزه‌ی دین، ملاک موفقیت را کنترل خویشتن‌می‌داند، این درحالی است که بر خلاف ملاک دینی هدف عام بوده و بر پیروان هر مکتبی قابل اطلاق است. آن چه مورد اهمیت است توجه به خود و هدف خویش و مسیری است که فرد را به هدفش می‌رساند. که البته هیچ یک به طور خاص به ارتباط میان خویشتن‌بانی و غرائز اشاره نکرده است. پژوهش حاضر به بررسی انواع غرائز انسانی و عملکرد آن‌ها در انسان می‌پردازد و به تأثیر خویشتن‌بانی از منظر آموزه‌های دینی در حفظ اعتدال آن‌ها در حوزه‌ی مشخص اشاره می‌کند. با توجه به تفاوت‌های ظریفی که در رابطه با طبیعت، غریزه و

فطرت بیان خواهد شد؛ برخی عناوین بیان شده در این پژوهش ذیل هر سه عنوان قابل بحث است و از نظر معنایی با هر سه به خصوص غریزه و فطرت هم پوشانی دارد.

مفهوم‌شناسی

ویژگی‌های مشترکی که غرائز و فطرت دارند عبارت است از این که این معارف فطری تحمیلی نبوده و در نهاد هر انسانی وجود دارد؛ تغییری در آن رخ نمی‌دهد و با فشار نمی‌توان آن را از انسان سلب کرد؛ فراگیر و همگانی هستند و گرایش به خدا و کمال مطلق هستی دارند. سه ویژگی اول مشترک انسان و سایر مخلوقات است در حالی که ویژگی چهارم خاص انسان است؛ همین یکی از تفاوت‌های غریزه و فطرت است که فطرت، ملاک رشد و تعالی انسان‌ها است. از این رو به اعتقاد برخی اندیشمندان می‌توان گفت غریزه در حدود مسائل مادی است؛ ولی فطرت مربوط به مسائل ماوراء حیوانی است. (مطهری، ۱۳۹۷: ج ۳، ص ۴۶۶) تفاوت مهمی که در غریزه و فطرت وجود دارد این که فطرت انسان را مجبور به بهره نمی‌کند و انسان به استمداد از طبیعت رشد یافته و غریزه‌ی سیر می‌تواند برای شکوفایی فطرت طرح‌ریزی کند و به واسطه‌ی اعمال خیر توفیق تعالی یابد؛ اما غریزه انسان را مجبور به آن عمل می‌کند و در سیر رشد انسان به صورت تکوینی شکوفا می‌گردد؛ مثل نوزادی که در طلب رفع تشنگی گریه می‌کند عملی غریزی انجام می‌دهد.

مواضع خویشتن بانی انسانی

با توجه به آن چه بیان شد خویشتن بانی امری پیشا دینی است که تمامی ابعاد انسانی را پوشش می‌دهد و هر انسانی به ما هو انسان می‌تواند خود را به این امر مزین نماید. آنچه را که آموزه‌های دینی به آن توجه دارند در مرحله‌ی اول توجه به هدایت تکوینی

انسان‌هاست. امام علی علیه‌السلام در رابطه با جایگاه خویشتن‌بانی، جدال عقل و نفس را چنین به تصویر می‌کشد: «کسی که عقلش بر هوای نفس غالب باشد بر رستگاری و سعادت نائل می‌شود، و آن کس که عقلش مغلوب تمایلات نفسانیش باشد، سرانجام رسوا و مفتضح می‌گردد.» (آمدی، ۱۳۹۵: ص ۶۵۷).

باتوجه به فطرت خداجو نیاز به خویشتن‌بانی در مراتب ابتدایی در همه‌ی انسان‌ها مشترک بوده و دارای مراتب مختلفی است؛ قرآن کریم در آیه‌ی «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم: ۳۰)؛ به وجود فطرت در همه انسان‌ها اشاره دارد و این‌گونه بیان می‌دارد که پس [با توجه به بی‌پایه بودن شرک] حق‌گرایانه و بدون انحراف با همه‌ی وجودت به سوی این دین [توحیدی] روی آور، [پای بند و استوار بر] سرشت خدا که مردم را بر آن سرشته است باش برای آفرینش خدا هیچ‌گونه تغییر و تبدیلی نیست؛ این است دین درست و استوار؛ ولی بیشتر مردم معرفت و دانش [به این حقیقت اصیل] ندارند.

انسانی که در مسیر انسانیت خویش حرکت می‌نماید خود را در چارچوب مشخصی قرار می‌دهد تا بتواند هیجان‌ات خویش را تحت کنترل درآورد و از فساد خویش جلوگیری نماید. ویژگی‌هایی که بیان می‌شود مربوط به انسان‌هایی است که فطرت خدادادیشان در موقعیت‌های سوء و آسیب‌زا قرار نگرفته و پاکیشان به قوت خود باقی است. ویژگی‌های بیان شده گویای آن است که زمینه‌ی پردازش در همه‌ی انسان‌ها وجود دارد؛ اما تفاوت انسان‌ها در میزان بهره‌وری از این استعدادهای فطری است که در سایه‌ی معرفت و حیانی اغناء می‌گردد. از این‌رو این استعدادها همگام با ذائقه‌ی انسان‌های مختلف تغییر چهره می‌دهد و در مجرای متناسب با معارف فرد قرار

می‌گیرد. چه بسا اگر معرفت‌نمای شیطانی و نفسانی انسان را در برگیرد، او قادر خواهد بود تا از این استعدادها در جهت منفی و آسیب‌زا استفاده کند. در این بیان هر جا از انسان آسیب دیده نام برده شود منظور، انسانی است که به دلیل سوء تربیت و موقعیت دچار تغییر ذائقه و اختلال در پاکی فطری شده است. ویژگی‌های زیر گویای زمینه‌های مشترک در غریزه، طبیعت و فطرت انسان‌ها است که به ایشان قابلیت پردازش اطلاعات و تبدیل معارف به نگرش، رفتار و عمل می‌گردد.

۱. معبود طلبی

نیاز به پرستش به عنوان یک نیاز فطری و اساسی در عمق روان‌همه‌ی انسان‌ها وجود دارد. از این رو در تمام جهان هستی انسان‌ها به نوعی در حال پرستش هستند و به دنبال معبودی برای خود می‌گردند. معبود بت‌پرستانی از حیوانات تا سنگ‌های بی‌جان همگی گویای این نیاز فطری است که طبق آیه شریفه انسان موجودی است توخالی که نیازمند است تا درون خود را از چیزی پر کند. یک انسان به هر خدایی که معتقد است حاضر است برای جلب رضایت خدای خود تلاش کند و هیچ‌گاه از او عصیان نکند. یک هندو حاضر است سختی‌هایی را تحمل کند که در توان یک انسان معمولی نیست. هدف او از این خویشتن‌بانی رشد و جلب رضایت خدایان بوده و به دنبال بهره‌وری از توان‌های خارق‌العاده‌ی انسانی است. در صوفیه اعمالی از جمله مستحسنان. مورد اقبال است که معبود طلبی انسان را نشان می‌دهد. ایشان در این جهت سختی‌های زیادی را متحمل می‌شوند تا اغناء کننده طبع خویش باشند.

در آیه‌ی «وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهًا، فَلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ، وَكَانَ الْإِنْسَانُ كُفُورًا» (اسرا: ۶۷)؛ و زمانی که در دریا سختی و آسیبی به شما

رسد، هر که را جز او می‌خوانید ناپدید و گم می‌شود، و هنگامی که شما را [با سوق دادنتان] به سوی خشکی نجات دهد [از خدا] روی می‌گردانید و انسان [با اینکه الطاف خدا را همواره در زندگی خود لمس می‌کند] بسیار ناسپاس است (انصاریان، ۱۳۸۳: ص ۲۸۹)؛ خداوند به بعد معبود طلبانه فطرت انسان اشاره می‌کند. توحید استدلالی در این آیه که گوشه کوچکی از نظام آفرینش را که حاکی از مبداء علم و قدرت و حکمت آفریدگار است نشان می‌دهد، به استدلال فطری منتقل می‌شود. (مکارم شیرازی، ج ۱۲: ص ۱۹۰) همه‌ی انسان‌ها وقتی در نهایت سختی باشند، ناخودآگاه در طلب یک ناجی قدرتمند هستند تا ایشان را نجات دهد و خداوند را از عمق وجود صدا می‌زنند. یکی از دلایل فطری بودن توحید، این است که انسان در حالت درماندگی و ناامیدی از همه وسایل مادی، متوجه یک نقطه غیبی می‌شود که او را نجات دهد. اما زمانی که نجات یابند از خداوند اعراض می‌کنند. انسان بسیار ناشکر است که چنین تجربه می‌کند، اما باز هم غافل می‌شود.

همچنین آیه‌ی «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (ص: ۷۲)؛ پس زمانی که اندامش را درست و نیکو نمودم و از روح خود در او دمیدم، برای او سجده کنید (انصاریان، ۱۳۸۳: ص ۴۵۷)؛ دلالت بر این امر دارد. مراد از «نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» آن نیست که چیزی از خدا جدا شده و به انسان ملحق شده باشد، بلکه منظور بیان منشأ و ریشه‌ی روح انسان است که از عالم بالاست، نه عالم خاکی (قرائتی، ۱۳۸۳: ج ۸/ص ۳۴). روح، در بدن همه‌ی جانداران هست ولی تعبیر «رُوحِي» مخصوص انسان است که از شرافت ویژه‌ای برخوردار است (حویزی، ۱۳۸۳ق). همچنین انسان با هر دین و فرهنگی که باشد دارای روحی است که رنگ خدایی دارد و در تنگناها از خواب غفلت بیدار می‌شود و معبود خود را می‌طلبد؛ حتی در شرایط

عدای نیز هر انسانی به خاطر داشتن چنین طبعی به دنبال پرستش یک چیز می‌گردد. برخی از انسان‌ها در قالب آداب خاصی حیوانات را می‌پرستند که نیاز معبود طلبی در ایشان مشهود است در حالی که راه را اشتباه رفته‌اند. برخی دیگر حتی خود نیز نمی‌دانند که در حال پاسخ‌گویی به این نیاز خویش هستند و در حالی که ادعایی غیر از این دارند به دنبال ابزارها و رفتارهایی هستند که خود را از آن اغناء کنند. این عمل همان وابستگی است که در اثر پرستش یک چیز به وجود می‌آید، به هدف آن که انسان را نجات دهد. در بعضی این عمل وابستگی به مال و ثروت‌اندوزی است؛ در بعضی وابستگی به شهرت و مقام است؛ و در برخی این عمل وابستگی به فرزند است. از این‌رو هر نوع وابستگی به هدف غنی کردن درون خود حاکی از طبع معبود طلبی انسان است. خویشتن‌بانی انسان در ریاضت‌ها و تحمل سختی‌ها برای اغنای معبود طلبی خویش دیده می‌شود. لوازمی در این مسیر ضروری می‌آید تا به معبود طلبی انسان جامه عمل ببوشاند و مقدمات لازم در پذیرش این امر را فراهم آورد.

۱.۱. گرایش به صداقت

صداقت اولین لازمه برای پذیرش معبود طلبی است و برای زنده نگه داشتن این ودیعه لازم است انسان صادقانه فکر کند و عمل نماید. خداوند در آیه‌ی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه، ۱۱۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از مخالفت فرمان خدا بپرهیزید و با صادقان باشید راه هدایت را از مسیر صداقت معرفی می‌نماید. انسانی را هم که عملش مطابق با اعتقادش باشد و یا کاری که می‌کند با اراده و تصمیمش مطابق باشد صادق نامیده‌اند؛ این آیه به مؤمنین را دستور می‌دهد به این‌که تقوا پیشه نموده و صادقین را در گفتار و کردارشان پیروی کنند. (طباطبایی،

۱۳۷۶: ج ۹ / ص ۵۴۸) راستگویی در مقام یکی از ارزش‌های کلان اخلاق انسانی، در فرهنگ‌های مختلف تأیید شده و فارغ از تعینات مختلف ملی، مذهبی و فرهنگی، دغدغه طرفداران اخلاق از هر سنخ بوده است.

صداقت از اعمال نیک و پسندیده انسانی بوده و نزد دین و خرد از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. اسلام دین دعوت به فطرت انسانی است و فطرت پاک انسان ایجاب می‌کند که انسان سالم و متعادل، دل و زبانش یکسو و هماهنگ باشد، ظاهر و باطنش یکی باشد و آنچه را باور دارد بر زبان جاری کند. در هدایت تکوینی که منشأ فطری دارد هر انسانی طالب صداقت و راستی است و از دروغ و کذب بیزار است؛ همه‌ی انسان‌هایی که حقیقت‌جو هستند در مرتبه‌ی اول صداقت را تجربه می‌کنند؛ از این رو قرآن کریم در آیات حجرات: ۱۵، بقره: ۱۷۷، احزاب: ۳۳، صداقت را معیار ایمان و پیمان‌بندگی دانسته و خویش‌بانی را راهبردی برای تحقق صداقت انسان در مسیر رشد و تعالی معرفی می‌کند.

۲. هدف طلبی

هر انسانی در جهت رسیدن به هدف خویش تلاش می‌کند. او با جست و جو در مورد حقیقت سعی دارد که کوتاه‌ترین مسیر را برای تحقق هدف خویش طی کند و از هر آن چه را که موجب انحراف و دور شدن است، فاصله گیرد. انسان‌ها مبتنی بر معرفتی که کسب کرده‌اند برای زندگی خود اهدافی را تعیین می‌کنند و با توجه به آن برنامه زندگی خود را تعیین می‌نمایند. اگرچه انسانیت در همه جا تعریف مشخصی دارد؛ اما رفتارهای سلیقه‌ای که در برزخ میان انسانیت و حیوانیت تعریف می‌شود در این جا رخ می‌نماید. یعنی اهداف مادی رفتار غیرانسانی نیست؛ اما یک رفتار الهی هم به

شمار نمی‌آید. در این بخش می‌توان گفت خویشتن‌بانی در مرحله‌ی ابتدایی محقق شده است. زیرا یک انسان خود را برای رسیدن به هدف مادی و غیرالهی تحت قوانین و آدابی قرار می‌دهد و رنج‌هایی را متحمل می‌گردد. از این‌رو مخالفت با خود برای رسیدن به هدف، بنابر هر نیتی که فرد دارد را می‌توان خویشتن‌بانی نامید. گستره‌ی اهداف انسانی تنها به مادیات ختم نمی‌شود؛ بلکه تکامل معنوی عالی‌ترین هدف انسان و دنیا تنها بستر تحقق این هدف است و بدون آن راهی برای رسیدن به این هدف والا وجود ندارد. در مؤید این که هدف طلبی انسان در مقارنت با هدایت عامه، امری فراگیر است به آیه‌ی «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه: ۵۰) می‌توان اشاره نمود؛ در این آیه حضرت موسی فرمود: «پروردگار ما همان کس است که به هر موجودی آنچه لازمه آفرینش او بوده است داده و سپس او را در مراحل هستی رهبری و هدایت فرموده است.»؛ ایشان به دو اصل مهم در آفرینش اشاره نموده است، اول این که خداوند به تمام مخلوقات هر آنچه را که لازم داشته‌اند عطا نموده و دوم این که پس از آن (ثم) هر یک را متناسب با اقتضایشان هدایت نموده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ج ۱۳/ص ۲۱۸-۱۲۹). این غریزه برای تحقق نیازمند لوازمی است تا به انسان انگیزه‌ی لازم را تزریق نماید. لوازم ضروری در این مسیر عبارتند از:

۱.۲. توجه به سود

یکی از لوازم تحقق غریزه‌ی هدف طلبی توجه به سود یک عمل در انسان است. انسان‌ها در پی کسب سود هستند و قبل از شروع هرکاری به نتیجه و برآیند آن عمل می‌اندیشند. سود طلبی طریقت را توجیه نمی‌کند، بلکه تنها گویای طبیعت مشترک انسانی است. سود طلبی انسان موجب تأمین انگیزه‌ی کافی در مسیر زندگی می‌گردد.

اگر انسان‌ها به سود اعمال و رفتار خویش بی‌توجه بودند، دیگر اراده‌ای برایشان در انجام کار وجود نداشت. آیات تبشیری و انذاری قرآن، علاوه بر تأثیرات هیجان‌مدار بر مخاطب، بر پایه‌ی همین طبیعت اثرگذار است. انسانی که به طمع کسب بهشت، تاجرانه سراغ اعمال خوب می‌رود و از گناه دوری می‌کند با انسانی که از روی ترس از عذاب الهی، همچون بنده‌ای گوش به فرمان، درست عمل می‌کند؛ با بنده‌ای که فقط برای جلب رضایت خداوند اعمال خوب را انجام می‌دهد؛ اگرچه درنیت و بینش متفاوتند؛ اما در مبنا و طبیعت همگی در پی یک سود هستند و بنابراین حاضر به تحمل سختی و مخالفت با هوای نفس می‌شوند.

امام علی (علیه‌السلام) فرمودند: «إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ التُّجَّارِ، وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ، وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ» (دستی، حکمت ۲۳۷)؛ گروهی خدا را از روی رغبت و میل (به بهشت) پرستش کردند، این عبادت تاجران است و عده‌ای از روی ترس او را پرستیدند و این عبادت بردگان است و جمعی دیگر خدا را برای شکر نعمت‌ها (و این که شایسته عبادت است) پرستیدند. این عبادت آزادگان است. در این کلام میرهن است که سود طلبی انسان در صورت‌های مختلف رخ می‌نماید، زیرا نگرش، شکل دهنده‌ی نیت‌هاست و نیت ضامن قوت عمل است. هرچه نیت بیشتر خدا سو باشد، عمل هم قوت بیشتری خواهد داشت.

۲.۲. توجه به رشد

از دیگر لوازم ضروری در هدف‌طلبی، توجه به رشد است. همه‌ی انسان‌ها با ذات پاک خویش طالب تطوّر و رشد هستند و از ایستایی و رکود بیزارند. امام علی

علیه السلام در این مورد به انسان‌ها اینگونه توصیه می‌فرماید: «هرگز از مجاهده و کوشش در اصلاح نفس خویش بازناهیست؛ زیرا چیزی جز سعی و کوشش تو را در این کار یاری نخواهد کرد» (آمدی، ۱۳۹۵: ص ۸۱۸). انسان دوست ندارد که امروز همانند دیروزش باشد و در این مسیر هر انسانی بنا بر توان معرفتی خویش برنامه‌ریزی می‌کند. کودک نوپایی که به هدف آموختن راه می‌رود گویای فطری است که خداوند در وجودش نهاده است. کار جوهری انسان است تا انرژی‌اش را تخلیه کند و بتواند به واسطه‌ی آن رشد و حیات را تجربه کند. ارتقای تجربه‌ی انسان در طول تاریخ بشریت، حاکی از آن است که یک انسان برای رشد خویش به دنبال سازگاری بهتر از محیط طبیعت، نعمت‌های طبیعی و بهره‌وری از آن بوده است. انسان یافته است تا هر چه میزان سازگاری خود را افزایش دهد بهره‌وری بیشتری از محیط خود خواهد داشت.

این آیه نشان می‌دهد که گرایش رشد در انسان وجود دارد؛ خداوند قدرت اختیار و قدرت تشخیص را در انسان قرار داده است. انسان به وسیله‌ی ودیعه‌ی الهی می‌تواند خود را رشد دهد و مسیر کمال را انتخاب نماید. همین انسان حتی اگر در انتخاب مسیر خویش اشتباه کند با زیاده‌خواهی و حرص‌ورزی به همگان ثابت می‌کند که از ایستایی بیزار است و توقف را دوست ندارد. امکان دارد این رشد طلبی در نابه جا رخ نماید و او را در ورطه‌ی تجمل‌گرایی و پول‌پرستی و مادی‌گرایی بیندازد؛ به گونه‌ای که توهم رشد ایشان را به صورت مقطعی راضی کند. خداوند در آیه‌ی «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً» (معارج: ۱۹)، همانا انسان حریص و بی‌تاب آفریده شده است؛ (انصاریان، ۱۳۸۳: ص ۵۶۹) به وجه افراطی و رذیلتی این طبع اشاره می‌کند. مفسران در این بیان گفته‌اند که یعنی بخیل ممسک که از شدت و بسیاری حرص جزع می‌کند؛ انسانی که هیجان ناشی از توهّمات رشد طلبانه او را عجز و بی‌صبر می‌کند، به طوری که لحظه

به لحظه به دنبال تغییر است و این تغییر را پسندیده می‌انگارد؛ درحالی که این تغییرات سراب گونه صاحبش را به این سو و آن سو در پی رفع نیاز رشد طلبی به تلاطم وا می‌دارد. امام علی(ع) در این مورد فرموده‌اند: «بر شهوت خویش مسلط شو پیش از آنکه قدرت تجّری پیدا کند و به تدروی عادت نماید. چه آن‌که اگر شهوت در خودسری و تجاوز نیرومند گردد مالک و فرمانروای تو می‌شود و تو را به هر سو که بخواهد می‌کشاند به طوری که در مقابل نیروی آن، تاب مقاومت نخواهی داشت.» (آمدی، ۱۳۹۵: ص ۵) انسان در پی پاسخ به رشد طلبی خویش در جهت افزایش سازگاری با محیط تلاش کرده و رنج‌هایی را متحمل می‌شود، مهارت‌های لازم در این جهت را کسب می‌کند. لذتی که یک انسان پس از چیرگی و استیلاء بر یک امر دارد، بیانگر طبع رشدطلبانه‌ی اوست. رشد طلبی اگر در حالت افراطی خود قرار گیرد به قدرت طلبی، انحصار طلبی، حرص، طمع و مطلق خواهی تبدیل می‌گردد از این رو انسان با خویشتن‌بانی باید نفس خویش را در پرورش این طبع کنترل نماید.

۳. امنیت طلبی

امنیت از ضروری‌ترین نیازهای بشر از آغاز زندگی‌اش است و پاسخ‌گویی به سایر نیازهای بشر در سایه وجود آن امکان می‌یابد و می‌توان امنیت را به‌عنوان یک نیاز فطری بشر تلقی کرد. هر انسانی نیازمند امنیت است و برای آن که امنیت خویش را تأمین کند به برخی از قوانین پایند می‌شود. امنیت از حیاتی‌ترین مطالبات انسان‌هاست که هر یک مبتنی بر معرفت خویش آن را در مجرای خود جستجو می‌کنند. برخی پول را مایه‌ی امنیت می‌دانند، برخی قدرت را ضامن آن دانسته و برخی با توکل بر خدا زندگی خود را به آرامش می‌رسانند. در تفاوت رتبی نگرش‌های بیان شده جای بحث

نیست؛ اما آنچه که در این بین مشترک است، نیاز فطری انسان به امنیت است. انسانی که برای حفظ جان خویش و تأمین امنیت حاضر است رنج‌ها را به جان بخرد یعنی امنیت طلب است.

موضوع «امنیت انسانی»، در ارتباط میان حکومت‌ها و مردم بوده و حداقل دو پدیده «رهایی از ترس» و «رهایی از احتیاج» را شامل می‌شود که علاوه بر قرآن، در سیره نظری و عملی نبی مکرم اسلام (ص) و علی (ع) و سایر امامان همام (ع) به شأن و جایگاه والای انسان به ویژه تأمین امنیت او توجه شده است. در آیات ۹۳ تا ۹۸ سوره کهف که به داستان یاجوج و ماجوج می‌پردازد به نوعی به مسئله امنیت اشاره شده است. همچنین، آیه ۸ سوره تکوین که می‌فرماید: «ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ»؛ آن‌گاه شما در آن روز از نعمت‌ها بازپرسی خواهید شد. (انصاریان، ۱۳۸۳: ص ۶۰۰) بنابر تفاسیر موجود به بحث امنیت اشاره دارد. این امر لوازم و آثاری دارد که عمده‌ترین آن عبارتند از:

۱.۳. قانون مداری

از مقدمات لازم جهت برقراری امنیت قانون مداری است که این امر در سایه‌ی حکومت عدالت محور برقرار می‌گردد. انسان‌ها در جامعه زندگی می‌کنند و برای تأمین منافع خویش محتاج قوانین هستند؛ حتی انسان‌ها در تنهایی خویش نیز محتاج پیروی از قوانین فردی هستند تا بتوانند اهداف مورد نظر خویش را مبتنی بر طبع رشد طلبانه‌ی خود دنبال کنند. مهم‌ترین دیدگاه پیرامون اعتبار و مشروعیت قانون، وضع آن از سوی مقام ذی‌صلاحی است که همه شرایط لازم قانون‌گذاری را داشته باشد؛ شرایطی از قبیل شناخت کامل انسان و آگاه به مصالح و مفاسد او، پیراستگی بودن از

هر نوع سودجویی، منفعت طلبی و خودخواهی. از دیدگاه قرآن تنها کسی که شرایط و صلاحیت لازم قانون‌گذاری را داراست، تنها خداوند حکیم و علیم است؛ از این رو، منشأ و اعتبار قانون نیز تنها اوست. در اسلام حق حاکمیت و ولایت اولاً و بالذات از آن خداست و ثانیاً و بالعرض حق کسانی است که خداوند آنان را برگزیده و پیروی از ایشان را واجب کرده است؛ در نتیجه، قرآن و سنت پیامبر اعظم (ص) و اهل بیت او، کتاب زندگی و قانون اساسی بشر برای رسیدن به سعادت می‌باشد.

خداوند در آیهی «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ» (حدید: ۲۵) به انسان یادآور می‌گردد که مسیر هدایت، طریقی است که انبیاء بیان نموده‌اند و ایشان راهنما و داور میان مردم هستند. برخی مفسران منظور از میزان را قرآن دانسته و برخی دیگر آن را دین تفسیر کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۹/ص ۳۰۰) و برخی نیز «بینات» را دارای معنی گسترده‌ای دانستند که شامل معجزات و دلائل عقلی می‌شود که انبیاء و رسولان الهی با آن مجهز بودند. به این ترتیب پیامبران با سه وسیله دلائل روشن، کتب آسمانی، و معیار سنجش حق از باطل و خوب از بد مجهز بودند که محتوای کامل برای اجرای قسط و عدل است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ج ۲۳/ص ۳۷۰). از این آیه برداشت می‌شود که انسان در طبع خود برای پیروی و پذیرش قانون به دنبال مرجعی است و حاضر است خویش‌بانی کند و رنج تعبد و پیروی را بپذیرد تا در چارچوب تعالی بخش رفتار نماید؛ از این رو خداوند این گونه بهترین‌ها را به انسان معرفی می‌کند. عبارت «وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» موجب جذب انسان می‌شود، زیرا هر انسانی خواهان قانونی عادلانه است تا امنیتش را تأمین نماید و این بیان حاکی از نیاز فطری انسان است. همچنین امام علی (ع) در حکمت ارسال رسل

این گونه فرموده است: «خداوند پیامبران خود را برانگیخت و پیاپی بین مردم فرستاد تا بشر را به اداء پیمان فطرت وادارند و نعمت‌های فراموش شده‌ی خدا را یادآوری کنند و با فعالیت‌های تبلیغی خود نیروهای نهفته‌ی عقل مردم را برانگیخته و به کار اندازند» (دشتی، ۱۳۷۸، ص ۳۷)؛ زیرا این نیروی عقل است که به کمک فطرت می‌آید تا انسان را رشد دهد و هوشیار کننده انسان‌ها پیامبران و راهنمایشان بوده است تا آن‌ها را با آن چه که هستند آشنا سازد.

۲.۳. تأمین آرامش

مهم‌ترین اثری که پس از تأمین امنیت در انسان حاصل می‌شود احساس آرامش است و چه بسا این احساس به انسان انگیزه می‌دهد تا سختی‌های قانون‌مداری را در جهت ایجاد امنیت تحمل نمایند و با تکیه بر خویشتن‌بانی خود را در این مسیر تقویت نمایند. انسان برای کسب آرامش جاودان خود را در معرض سختی‌های زودگذر قرار می‌دهد؛ زیرا می‌داند گریزی از رنج‌های دنیا نیست و اگر آرامش مادی و معنوی بخواهد ناچار است که رنج‌ها را بپذیرد. آرامش نیازی است که هر انسانی در هر سطحی که باشد آن را به تناسب خود و مبتنی بر عقاد و بینش خود طلب می‌کند.

انسان مادی‌گرایی که آرامش را در رفاه و آسایش می‌داند در جهت کسب رفاه بیشتر تلاش می‌کند و راه‌هایی که او را به درآمد بیشتر می‌رساند را می‌یابد و سختی‌های راه را به جان می‌خرد. انسانی که آرامش را در داشتن فرزندان زیاد می‌بیند، سختی‌های خرج و مخارج آن‌ها را متحمل می‌گردد تا آن‌ها را به ثمر برساند. کسی که به آیه‌ی مال و البنون زینته الحیاه الدنیا اعتقاد دارد و مال و فرزند را زینتی برای زندگی دنیا دانسته و آرامش دنیا را ماندگار نمی‌داند؛ لذا در پی آرامش جاودان

می‌رود. (رعد: ۲۸) او با اعتقاد به آیه‌ی «... وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ...» (طلاق: ۳) آرامش را در توکل به خداوند می‌یابد تا اگر به هر دلیل مال و فرزندش را از دست داد، آرامشش را از دست ندهد. انسان این‌گونه می‌تواند آرامش‌گذرا و فناپذیر دنیایی خویش را به آرامش ماندگار و عالی تبدیل کند. هر یک از این انسان‌ها اگرچه در مسیر خود حرکت می‌کنند، اما برای تحقق اهداف خود لازم است متناسب با بینش خویش، خویشتن‌بانی را در پیش گیرند.

۴. لذت طلبی

انسان‌ها به صورت بالقوه دارای درک لذات از سطوح مادی تا سطوح معنوی هستند؛ اما آن چه که موجب تمایز ایشان می‌گردد، نوع گرایشی است که خود بر اساس عقاید و باورهایشان تعیین می‌کنند. برای نمونه برخی لذات مادی برایشان سرحد لذات است؛ زیرا سرحد تفکراتشان مادی است؛ لذا تمام تلاش خود را در تحقق این امر به کار می‌گیرند و چه بسا انسانیت را قربانی این امر می‌نمایند. برای نمونه، لذت و اصالت حس از مبانی فلسفی اپیکور می‌باشد که غایت زندگی را بر آن پی‌ریزی می‌کند؛ لذا برای رسیدن به این سعادت و شادی تلاش می‌کرد تا مبانی کلامی خود را نیز بر انکار خدا و معدومیت انسان با مرگ قرار دهد تا به لذت دست یابد. اپیکور معتقد است غایت زندگی انسان لذت است و آدمی باید برای رسیدن به لذت تلاش کند. از نظر قرآن کسانی که از لذت‌های حیوانی و عوامل گوناگون باطل و خبیث آن بهره می‌برند، در بلندمدت و نیز در آخرت از لذت‌های حقیقی و واقعی محروم خواهند شد. (احقاف: ۲۰؛ محمد: ۱۲)

اما برخی دیگر به لذات حلال مادی بسنده کرده و سایر تجربیات لذت‌گرایانه را به ابعاد فرامادی و جهان دیگر موکول می‌نمایند؛ از این رو به کمک خویشتن‌بانی از

لذات گناه آلود چشم پوشی کرده و به امید تجربه ای با لذات عمیق و ماندگار صبر می‌کنند. از نظر قرآن، لذت‌های حلال در دنیا به سبب برخی از تأثیرات باید مدیریت و مهار شود؛ زیرا لذت‌های جنسی و غیرجنسی هرچند که حلال است و انسان می‌بایست از آنها برای برآورد نیازهای گوناگون خویش بهره برد؛ اما نباید در این امر راه افراط و تفریط را در پیش گرفت. همان طوری که تفریط در لذت‌های حلال جایز نیست، افراط در این امر نیز جایز و روا نیست. برخی از مردم حلال‌های خدا را بر خود تحریم می‌کنند؛ در حالی که هر یک از حلال‌های الهی برای انسان فوایدی دارد. از همین رو خدا تحریم لذات حلال بر خویشتن را امری ناروا دانسته است (مائده: ۸۷ - ۸۸)

۱.۴. محبت‌خواهی

محبت‌خواهی در انسان امری فطری است. یک کودک وقتی مورد لطف و پاداش قرار می‌گیرد حتی اگر نتواند خوشحالی‌اش را به زبان آورد با رفتارش آن را انسان می‌دهد. اثر محبت طلبی رد انسان با تشکر جلوه گر می‌شود. واکنش طبیعی انسان‌ها نسبت به محبت، بیانگر محبت طلبی آنهاست؛ زیرا وقتی مورد محبت قرار می‌کنید شکرگزاری می‌کنند. از این بیان می‌توان دریافت که ارتباط محبت طلبی و شکرگزاری در انسان یک ارتباط همسو می‌باشد و زمانی که هر یک دچار آسیب گردد دیگری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. امام علی (ع) در حدیث «الإنسانُ عبْدُ الإِحْسَانِ» (آمدی، ح ۲۶۳) می‌فرماید که: «انسان بنده‌ی احسان است» و در حدیث «أَحْسِنِ إِلَى مَنْ شِئْتَ تَكُنْ أَمِيرَهُ» (دشتی، حکمت ۲۱۷) می‌فرماید که: «به هر که می‌خواهی نیکی کن تا امیرش باشی». مضمون هر دو حدیث بیانگر محبت طلبی انسان و نقش آن در تعاملات اجتماعی است.

خویشتن‌بانی در امر محبت نقش مهمی در میزان شکرگزاری انسان دارد. وقتی یک انسان خود را مأمور مهرورزی به دیگر انسان‌ها بداند، اگرچه به دلیل گذشت‌ها و اغماض‌ها، سختی‌هایی را متحمل می‌شود و نیاز دارد با کظم غیض نفس خویش را از تمایلات انتقام‌جویانه باز دارد؛ اما آن قدر عزیز می‌گردد که حاکم دل‌های انسان‌هایی که به آن‌ها محبت کرده است. خداوند در آیه‌ی «الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ» (قریش: ۴) علت پرستش پروردگار کعبه را نجات قبیله قریش است گرسنگی و ایمن بخش‌شان از دشمن بیان می‌دارد. این بیان گویای فطری بودن اثر محبت کردن یعنی شکرگزاری است. قریش وقتی بعد از نابودی معجزه آسای سپاه قدرتمند ابرهه احساس امنیت کردند. خداوند یادآور محبت و لطف خویش نسبت به ایشان شد تا زمانی که دل‌هایشان غرق در این محبت است، ایمان بیاورند.

۵. بقاطلبی

میل به بقاء از خواست‌های فطری انسان است. آدمی هیچ‌گاه نمی‌خواهد بمیرد؛ زیرا می‌اندیشد که مردن نابود شدن است؛ از این رو او می‌خواهد عمری طولانی داشته باشد. انسان از دیر زمان خواهان جاودانگی بود؛ همانطور که با توجه به آیه‌ی «فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَى» (طه: ۱۲۰)؛ پس شیطان او را وسوسه کرد، گفت: ای آدم! آیا تو را به درخت جاودان و سلطنتی که کهنه نمی‌شود، راهنمایی کنم؟ (انصاریان، ۱۳۸۳: ص ۱۲۰) شیطان از این راه سعی در وسوسه‌ی حضرت آدم (ع) داشت؛ در واقع شیطان حساب کرد تمایل آدم به چیست و به اینجا رسید که او تمایل به زندگی جاویدان و رسیدن به قدرت بی‌زوال دارد، لذا برای کشاندن او به مخالفت فرمان پروردگار از این دو عامل استفاده کرد.

نقش تربیتی خویشتن بانی در اعتدال بخشی به نیازهای.../ محمدهادی یدالله پور ۳۸۷

(مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ج ۱۳/ص ۳۲۱) همچنین در آیه‌ی ۹۶ بقره بنی اسرائیل از خدا خواهان هزار سال عمر بودند و این بیانگر بقا طلبی‌شان می‌باشد.

انسان پیرو این نیاز در پی کشف اکسیری کیمیاگر بود تا او را جاودان کند؛ غافل از آن که جسم انسان قابلیت مانایی ندارد. بعد روحانی انسان است که او را به بقا طلبی فرا می‌خواند، زیرا می‌داند که روح انسان ملکوتی است و نهایت طلب است، از بی‌نهایت خلق شده و پس از گذر از دنیای محدود به سرای نامحدود و جاودان باز می‌گردد؛ هر انسانی برای حفظ بقای خویش تلاش می‌کند. او در ابتدا هر نوع مهارتی که به او کمک کند تا سازش بهتر و تنش کمتر داشته باشد را می‌پذیرد و برای تحقق رشد خویش در مسیر هدف‌های مشخص برنامه‌ریزی کرده و قوانینی وضع می‌کند.

هر انسانی مبتنی بر معرفت خویش تعریفی از بقا دارد و این معنا بیانگر بقا طلبی اوست. برخی بقا را در کسب مادیات دانسته‌اند، برخی بقا را در رموز کیمیاگری یافته‌اند، برخی با دست‌یابی به روش‌های مدرن سعی در تحقق آرمان دیرینه‌ی خود دارند و برخی بقای یک انسان را در حسنات جاریه و سنت‌های خوب دانسته‌اند. همه‌ی آیاتی که اشاره به واژه‌ی «فیها خالدون» دارد، بیانگر این طبع انسان است که چون انسان خواهان جاودانگی است از این رو آیات متناسب با ذائقه مخاطب به استدلال معاد و جاودانگی حقیقی می‌پردازد. انسان‌ها در جهت تحقق بقا طلبی اقداماتی را به طور مشترک انجام می‌دهند که به طور کلی عبارتند از:

۱.۵. انس با اجتماع

اولین اقدام غریزی انسان در جهت بقای خویش، گرایش به اجتماع هم نوع خویش است. انسان معنای زندگی را در اجتماع و تعامل با هموعان خود می‌داند و حتی در

تعریف علاقه‌مندی‌ها و جزئیات زندگی خویش از اجتماع رنگ می‌گیرد. تأثیر و تأثر انسان و اجتماع امری اجتناب‌ناپذیر است. انسان به منزله‌ی سلول‌های اجتماع است که بدنه‌ی اجتماع را تشکیل می‌دهد. انسان با حضور در جمع هم نوعان خود علاوه بر آن که نیازهای خود و دیگران را برطرف می‌کند، بلکه فراتر از آن، احساس امنیت، آرامش و به روزی را تجربه می‌کند. آیات الهی آن است که خداوند انسان‌ها را گروه گروه آفرید تا همدیگر را بشناسند و تعامل برقرار نمایند (حجرات: ۱۳). یک انسان تحمل سختی زندگی در جمع و رعایت قوانین اجتماعی را به آزادی و بی‌قانونی در تنهایی ترجیح می‌دهد و بدین‌سان خویش‌بانه در مواقعی به نفع دیگران از منافع خود می‌گذرد و در مسیر مدارا با دیگران گام بر می‌دارد تا در سایه‌ی آن طبع اجتماع طلبانه خود را پاسخ گوید.

۲.۵. توجه به سلامتی

از دیگر ضروریاتی که انسان در جهت حفظ بقای خویش به کار می‌گیرد توجه به سلامتی خویش است. انسان سلامتی را دوست دارد و زمانی که در انکسار و پیری قرار گیرد قدر آن را بیشتر می‌داند. انسان از خوردن و آشامیدن خوراکی‌های فاسد و فسادآور دوری می‌کند؛ زیرا او به گزین است و حتی در طعام خود بهترین را طلب می‌کند. انسان از خوردن غذاهای خوشمزه اما سمی پرهیز می‌کند، زیرا می‌داند سلامتی‌اش ضامن بقای اوست. انسان تلخی داروهای شفا بخش را بر بیماری و زوال بدن ترجیح می‌دهد. و در مسیر درمان خویش رنج‌ها را می‌پذیرد تا به سلامت برسد. انسان مادی‌گرایی که سلامت را تنها در جسم خلاصه می‌کند، نگران خوراک و پوشاک خویش است و برای تأمین آن تلاش می‌کند. انسانی که سلامت هر دو بعد خود را در نظر دارد، به تأثیر اعمال در سلامت روح و طعام در سلامت جسم آگاه است.

یافته‌های علمی نشان داده که در ۶۷ سوره (۷۷٪/۵۸)، آیات قرآن کریم مشخصاً، به یک، دو و یا هر سه بعد اصلی سلامتی (جسمی، روانی و اجتماعی) اشاره نموده است. عمده آیات قرآن کریم به ابعاد جسمی، روانی و اجتماعی سلامتی، اشاره عام دارد، اما تعداد کل آیات در خصوص سه بعد اصلی سلامتی، ۲۶۴ بود که سهم سلامت اجتماعی ۱۰۱ آیه (۲۶٪/۳۸)، سهم سلامتی روانی ۹۴ آیه (۶۱٪/۳۵) و سهم سلامتی جسمی ۶۹ آیه (۱۳٪/۲۶) بوده است. در کل می‌توان دریافت که مباحث بهداشتی مهمی در بعد جسمی مانند خوردن غذاهای حلال (گوشت دام، انگور، انار، زیتون، خرما) و پرهیز از مصرف شراب، مردار، خون و گوشت خوک و نیز رعایت بهداشت جنسی در قالب نکاح شرعی مرد با زن، در بعد روانی از قبیل صبر و شکیبایی در امور، توکل بر خدا، آرامش و اطمینان قلبی، دوری از غم و اندوه و باور اینکه بعد از هر سختی، راحتی خواهد بود و در نهایت در بعد اجتماعی مانند دادن زکات و صدقه و انفاق، یتیم‌نوازی، دوری از قمار و ولخرجی و اسراف، پرهیز از کم‌فروشی، عدالت‌ورزی و نیز عدم تمسخر دیگران در آیات مذکور برای عمل کردن مردم بیان شده است (یدالله‌پور و همکاران، ۱۳۹۴) و مجموع آیات گویای سلامت طلبی انسان است که خداوند در برنامه‌ی کامل زندگی آن را به انسان ارزانی داشته است.

حضرت علی(ع) در مورد جایگاه سلامتی در زندگی انسان فرمودند: «لَا عِشَ أَهْنَأُ مِنَ الْعَاقِبَةِ»؛ برای انسان، زندگی گواراتر از عاقبت و سلامتی نیست. (محدث، ص ۲۵۳) اهمیت سلامتی در زندگی انسان به قدری است که او برای تأمین آن آگاهانه قوانینی را می‌پذیرد و برای حفظ سلامتی خود خویشتن‌بانی می‌نماید. این کلام بیانگر فطری بودن سلامت طلبی است؛ زیرا روی صحبت فقط با اهل اسلام نیست بلکه یک

قاعده‌ی کلی است که بیان شده است؛ ایشان هرچه را که مطابق طبع اصیل و در توان و کنترل انسان بوده، و همسو با نظام خلقت باشد، توصیه می‌نمایند.

نتیجه

به طور خلاصه حاصل پژوهش حاضر از منظر آموزه‌های دینی عبارت است از این که:

۱. خویش‌بانی مفهومی پیشا دینی است که به نیازهای انسان نظم می‌بخشد و آن را از کج روی و زیاده‌روری‌ها حفظ می‌نماید. گستره‌ی خویش‌بانی از سطح انسانی تا سطح الهی در هر انسانی قابلیت رشد و تطوّر دارد و تفاوت سطح انسانی با سطح الهی در نوع نگرش و انگیزه و نیت است.

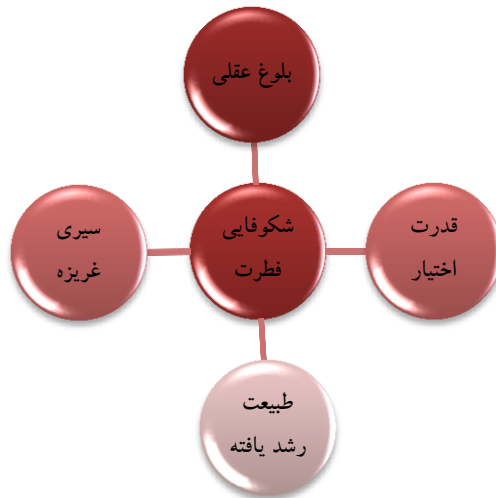
۲. انسانی که به دین اسلام معتقد نیست هم به خویش‌بانی نیاز دارد تا در باتلاق خودبینی و فساد غرق نشود؛ چنین فردی ناخواسته خود را برای پذیرش دین خداوند آماده کرده است، زیرا گام اول که تربیت‌گریزه و طبیعت‌بوده را طی کرده و در گام بعد لازم است به هم‌ی اعتدال‌های خود رنگ‌خدایی بدهد و این گونه از سطح انسانی به سطح الهی ارتقا یابد.

۳. گریزه امری مشترک در هدایت تکوینی تمامی انسان‌هاست و در سیر تطوّر انسان در مرحله‌ای که باید، به خود شکوفایی می‌رسد و در صورتی انسان می‌تواند در حفظ سلامت غرائزش نقش ایفا کند که در رفع حاجات خویش متعادل عمل کند. شناخت میزان تعادل، حدود و ثغور یک گریزه وابسته به رشد عقل و بلوغ فکری است. از این رو عقل منبعی برای تأمین توان معرفتی انسان در تعامل با غرائز و فطرت خویش به شمار می‌آید. از سوی دیگر رشد و شکوفایی فطرت متکی به اختیار انسان است؛ زیرا اختیار انسان به او فرصت انتخاب درست و مدیریت لازم در بهره‌مندی از

نعمات و توجه در رفع حاجات را می‌دهد. در نتیجه انسان به استمداد از طبیعت رشدیافته و غریزه‌ی سیر می‌تواند برای شکوفایی فطرت طرح‌ریزی کند و به واسطه‌ی اعمال خیر توفیق تعالی یابد.

۴. خویشتن‌بانی هم در حکم میزان برای تشخیص افراط و تفریط و هرگونه مسیر انحرافی بوده و هم در حکم رهبری دلسوز در نقاب نفس مطمئنه در جهت هدایت انسان به مسیر سعادت می‌باشد؛ از این رو حفظ سلامت و اعتدال‌غرائز هر انسان، منوط به میزان کاربرد خویشتن‌بانی او در زندگی می‌باشد.

۵. در نمودار زیر لوازم شکوفایی فطرت بیان شده است. حلقه‌ی وصل میان ودائع بالقوه‌ی الهی با مسیر سعادت‌ی که خداوند برای انسان در نظر گرفته است، خویشتن‌بانی است که نظام بخش شئون‌تکوینی انسان بوده و مقدمه‌ای برای تحقق فطرت خداجو و قرار گرفتن انسان در مسیر تقوای الهی است.



۶. خویشتن‌بانی انسانی از آن جهت حائز اهمیت است که مقدمه‌ای ضروری برای پذیرش ولایت خداوند و اطاعت از شریعت او می‌باشد.

و در پایان به عنوان پیشنهاد پژوهش لازم می‌آید با توجه به اهمیت نقش خویشتن‌بانی در تعادل بخشی غرائز به هدف مقدمه سازی برای تربیت خدا پسندانه، در سایر زمینه‌های تربیت به کارکرد خویشتن‌بانی توجه گردد.

کتابنامه

- The Holy Quran, translated by Hossein Ansarian.
- Nahj al-Balaghah, translated by Muhammad Dashti.
- Izadi, Mehdi, Ashouri Rudposhti, Rokhsar. 2013, "The role of piety in social interactions", Islamic Insight and Education, No. 25, pp. 81-108.
- Rezaei, Yousef 1979, "Education based on piety, education", Quarterly Journal of Education, No. 3, pp. 48-53.
- Sadeghi Ardestani, Ahmad. 1365, The role of piety in education, Payvand Magazine, Volume 84, 37-39.
- Kazemi Abhar, Zabihullah. 1388, "Piousness, Abstinence, Anti-Piousness, Islamic Knowledge", Journal of Teacher Development, No. 243, 23-25
- Keshavarz, Susan. 2007, "The Role of Piety in Physical and Mental Health", Payvand Magazine, No. 32, pp. 10-15.
- Ibn Manzoor, Abu al-Fadl Jamal al-Din Muhammad ibn Makram. 1410, Arabic language, 15 volumes, Beirut: Dar Beirut for printing and publishing.
- Al-Qayyumi al-Muqari, Ahmad ibn Muhammad ibn Ali.
- Stuart Shanker. 1399, Ravan Hami website, translated by Elham Nikfar.
- Motahari, Morteza. 1389, Collection of Works, Volume 23, (The Perfect Man, Hafez Mysticism, Spiritual Freedom, Part of Twenty Speeches, Piety, Generalities of Islamic Sciences: Mysticism), Tehran: Sadra.
- Tabatabai, Mohammad Hossein Dam. 1374, Tafsir Al-Mizan, translated by Seyyed Mohammad Baqir Mousavi Hamedani, Qom: Islamic Publications Office, Qom Seminary Teachers Association.
- Qaraati, Mohsen 2004, Tafsir Noor, Volume 8, Tehran: Cultural Lessons from the Quran Cultural Center.
- Motahari, Morteza. 1358, An Introduction to the Islamic Worldview, Tehran: Sadra.
- Makarem Shirazi, Nasser. 2001, Sample Interpretation, Tehran: Islamic Library.
- Tamimi Amadiyah, Abdul Wahid Ibn Muhammad 1410 AH, Gharr al-Hakam and Dar al-Kalam, translator: Mustafa Drayati, Qom: Islamic Library.
- Havizi, Abdul Ali Ibn Juma. 1415 AH, Tafsir Noor al-Thaqalin, Qom: Ismailis.

نقش تربیتی خویشتن بانی در اعتدال بخشی به نیازهای... / محمدهادی یدالله‌پور ۳۹۳

Asgari, Zahra; Nowruzi, Reza Ali; Mohammadi Chabaki, Reza 1396, "Analysis of three approaches to the educational role of suffering, new educational ideas", Volume 49, pp. 51-71.

Yadollahpor M H, Seyedi-Andi J, Rezaee R, Borhani M, Bakhtiari A. Reviewing the verses of the Holy Qur'an in the context of three major dimensions of health (physical, mental and social). IHJ 2015; 2 (3) :48-56

